

تغییرات نسلی ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری زنان پیش و پس از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: شهر زنجان)

سجاد اوچاقلو^{۱*}، عباس مرادی^۲، ابراهیم قاسمی^۳، جمال ارشادی^۴

چکیده

مطالعه تغییرات نسلی «ارزش فرزند» و رفتار فرزندآوری در بین زنان پیش و پس از انقلاب اسلامی، موضوع مقاله حاضر است. نسل‌های مختلف زنان در ایران، براساس تجربه زیسته مشترک، نگرش و برداشت متفاوت و گاه متضاد از معنا و مفهوم فرزند و فرزندآوری دارند. روش تحقیق، پیمایشی و از نوع مقطعی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. جمعیت آماری شامل پنج نسل از زنان شهر زنجان است که از هر نسل ۱۰۰ نفر انتخاب شده و در مجموع ۵۰۰ نفر حجم نمونه این تحقیق را تشکیل داده‌اند. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دومرحله‌ای به شیوه PPS است. در یافته‌های تحقیق، تفاوت میانگین نمره ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری، در بین نسل‌های مطالعه‌شده، به لحاظ آماری معنادار است. پایین‌ترین سطح ارزش فرزند در بین نسل زنان سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ و بالاترین سطح مربوط به نسل زنان سال‌های قبل از ۱۳۴۲ است. فردگرایی با ارزش فرزندآوری رابطه منفی و معکوس دارد. دینداری و ارزش فرزندآوری رابطه مثبت و مستقیمی دارند و تأثیر تجربه جهانی شدن بر ارزش فرزند، در نسل متولدان ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ شدیدتر از سایر نسل‌هاست. تفاوت تغییر رفتار فرزندآوری بین زنان نسل‌های مختلف در ایران با توجه به تجربه تاریخی، زیستی، و آگاهی نسلی متفاوت هریک از نسل‌ها، همراه با تضاد ساختی و نسلی قابل تبیین است و تغییرات نسلی ارزش فرزند، هم از لحاظ ذهنی و تاریخی و هم از لحاظ عینی و ساختی، قابل بررسی است. تجربه جهانی شدن زنان در کنار افزایش آگاهی و انتظارات و دگرگونی در نقش و موقعیت آنان پس از انقلاب اسلامی، در برداشت و ارزیابی آنان از ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری تأثیرگذار بوده است.

کلیدواژگان

ارزش‌های خانواده، ارزش فرزند، انقلاب اسلامی، تجربه جهانی شدن، دینداری، شهر زنجان، فرزندآوری، نسل.

۱. دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات
sajjadojaghlo@yahoo.
 ۲. استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان
Azmoradi@gmail.com
 ۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
conf
 ۴. دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی
ebrahim_qasemi@yahoo.com
arshadi56ir@yahoo.com
- تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۲۶

مقدمه و بیان مسئله

یکی از ارزش‌های جدایی‌ناپذیر خانواده در ایران «فرزند» است. بسیاری از روابط خانوادگی، از جمله ازدواج، براساس فرزند و فرزندآوری شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند. معنا و جایگاه ارزش فرزند، از چند دهه اخیر، در ایران تغییر یافته و هر نسل از زنان برداشت متفاوت از نقش و ارزش فرزند در خانواده دارند. این تغییر از آن جهت بوده است که خانواده در معرض تغییر و دگرگونی است. خانواده در جهان امروز، بیش از گذشته، در معرض تغییر و دگرگونی است. «پژوهش‌های جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که تغییر جوامع، ماهیت خانواده را تغییر داده است. انتظارات و پیش‌فرض‌ها درباره خانواده به‌طور مداوم در حال تغییر است و غیر ممکن است خانواده را به‌عنوان واحد جدا از گستره توسعه در ماهیت و ساختار جامعه مطالعه و بررسی کرد» [۲۰، ص ۵۳۰].

بسیاری (پل ویتز ۱۳۹۰؛ پاپنو ۱۹۹۷) بر این باورند که در دنیای امروز غرب نهاد خانواده تضعیف شده و حتی چیزی از آن برجای نمانده است [۲۱]. زیرا الگوهای ازدواج و خانواده متنوع شده است، تمایل به ازدواج و تشکیل خانواده ضعیف شده است، فرزندآوری و باروری به شدت کاهش یافته است، زوج‌زیستی و روابط جنسی پیش و پس از ازدواج گسترش یافته است [۵]. در کشورهای صنعتی، باروری زیر سطح جانشینی پدیده بادوامی است. برخی از جمله لسته‌هاک و ون دوکا (۱۹۹۶) دوام باروری زیر سطح جانشینی در این کشورها را ناشی از تغییرات و تنوعات اساسی خانواده می‌دانند که خود متأثر از تحولات اساسی در سطح جامعه است [۱۹]. خانواده ایرانی برخی از تغییرات جهانی خانواده را همراهی و تجربه کرده است. یکی از این تغییرات، تغییر ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری است. بنابراین، تحت‌تأثیر عوامل مؤثر بیرونی و درونی، تمایل به فرزندآوری و داشتن فرزند بیشتر نزد زنان به نحو قابل ملاحظه‌ای ضعیف شده است. «حتی نتیجه مطالعات برخی صاحب‌نظران، نشان می‌دهد باروری و فرزندآوری در ایران به زیر سطح جانشینی رسیده است» [۹، ص ۵۷]. خانواده در دو دهه اخیر در ایران - به‌منزله جامعه پیرامونی و تأثیرپذیر - تحت‌تأثیر عوامل درونی و بیرونی، به لحاظ ساختاری و کارکردی و نیز جمعیتی، دستخوش تغییر شده است. «این تغییر، خود ناشی از تغییر نظام اجتماعی از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی و به دنبال آن تضعیف خانواده گسترده و شکل‌گیری خانواده هسته‌ای است» [۲، ص ۴۵]. شکل جدید خانواده ارزش‌های جدیدی را نیز به همراه داشت که متفاوت از ارزش‌های خانواده گسترده و سنتی بوده است. وقوع انقلاب اسلامی و پس از آن جنگ، روند رو به توسعه در زمینه‌های مختلف، تلاش برای همراهی با تجربه جهانی شدن از سوی برخی گروه‌های اجتماعی از جمله زنان، گسترش تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی، وابستگی خانواده‌ها از جمله خانواده‌های طبقه متوسط شهری و حقوق‌بگیر به درآمدهای نفتی، اصرار بر ارزش‌های محلی، بومی، و قومی و مقاومت در

برابر ارزش‌های فرهنگی و خانوادگی جهانی، از جمله عوامل درونی و بیرونی تأثیرگذار بر ارزش‌های خانواده از جمله ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری در ایران از جمله در جامعه شهری زنجان است که نسل‌های متفاوت زنان در ایران با توجه به تجربه مشترک زیسته و براساس تجربیات تاریخی، هریک به گونه‌ای فرزند و فرزندآوری را درک و معنا کرده‌اند. با توجه به ویژگی‌های جامعه شهری زنجان از قبیل تجربه جهانی شدن و گسترش فردگرایی ناشی از تضعیف همبستگی اجتماعی و خانوادگی، افزایش میل به آموزش و اشتغال بین زنان و آزادی‌های اجتماعی، خانواده‌های شهر زنجان، به‌ویژه زنان، در سال‌های اخیر با تغییر ارزش‌های خانواده روبه‌رو شده‌اند. مطالعه تغییر ارزش فرزند بین نسل پیش از انقلاب، نسل انقلاب و جنگ، و نسل پس از انقلاب و جنگ هدف این مقاله است. بنابراین تغییر ارزش فرزند در پرتو تغییرات تاریخی و اجتماعی ایران و در بین زنان نسل‌های متفاوت بررسی و مطالعه شده است. سؤال این است که زنان نسل‌های مطالعه‌شده با در نظر داشتن ساختار اجتماعی مذهبی و سنتی شهر زنجان، ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری را چگونه معنا می‌کنند؟

پیشینه تحقیق

عباسی شوازی و پیتر مک دونالد (۲۰۰۸) در مطالعه خود با عنوان «تغییر خانواده در ایران: مذهب، انقلاب، و دولت» پویایی‌ها و تغییرات خانواده در ایران در قرن بیستم، به‌ویژه پیش و پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، را با دو پرسش اساسی پی می‌گیرند؛ چه چیزی زمینه تغییر خانواده در این سال‌ها در ایران بوده است؟ و دوم اینکه باورها و ایده‌ها چگونه بر تغییر خانواده مؤثر واقع می‌شوند؟ آن‌ها عوامل ساختاری و ذهنی را در تغییرات خانواده در ایران مطالعه کرده‌اند و بر نقش مذهب، انقلاب، و دولت در پویایی‌ها و تداوم و تغییر خانواده تأکید داشته و بر عناصری از زندگی خانوادگی که در سرتاسر این سال‌ها بدون تغییر باقی مانده‌اند، تمرکز داشته‌اند. به نظر آن‌ها، برخی از جنبه‌های زندگی و ارزش‌های خانوادگی ثابت باقی مانده، اما برخی جنبه‌های آن به‌طور قابل ملاحظه‌ای تغییر کرده است. مهم‌ترین تغییر فردی در دهه‌های اخیر، افزایش سطح آموزش بین نسل‌ها است. سن ازدواج نیز به شکل صعودی (بالارفتن سن ازدواج) به‌ویژه برای دختران بالا رفته و رفتار و نگرش زنان به باروری به طرز قابل ملاحظه‌ای تغییر کرده است. در درون خانواده، تغییر به‌شدت در حال تغییر به سمت زوج‌های فردی است. این شامل تصمیم درباره داشتن تعداد فرزندان تا نقش‌های جنسی در روابط می‌شود. ازدواج با خویشاوندان هنوز معمول بوده و باقی مانده است؛ اگرچه نگرش نسبت بدان تغییر یافته است. آن‌ها در نهایت نتیجه می‌گیرند که در برخی زمینه‌ها در خانواده ایرانی، از جمله باروری پایین و تأخیر ازدواج، تغییرات ریشه‌ای اتفاق افتاده است، در برخی زمینه‌ها تداوم مشاهده می‌شود از جمله ازدواج با خویشاوندان و نرخ پایین طلاق. اما در برخی زمینه‌ها، از جمله ظهور و گسترش

رفتارهای غربی، از قبیل زوج‌زیستی خارج از ازدواج و تولد و فرزندآوری قبل از ازدواج در بین خانواده‌های ایرانی شواهدی یافت نشده است [۱۷]. زاهدی مازندرانی و خضرنژاد در مطالعه خود با عنوان «نوسازی و فرایند تحول ارزش‌ها در حوزه خانواده» به این نتیجه دست یافته‌اند که ارزش‌های سنتی حوزه خانواده هنوز تا اندازه زیادی به قوت خود باقی مانده‌اند و ارزش‌های مدرن نیز آرام‌آرام و به تدریج در حال شکل‌گیری‌اند [۸].

مبانی و چارچوب نظری

فرزند و فرزندآوری در ذیل موضوع تغییر ارزش‌های خانواده^۱ قابل مطالعه‌اند و خود ارزش‌های خانواده نیز با توجه به تغییرات چند دهه اخیر خانواده در ایران قابل درک است. برای تجزیه و تحلیل وضعیت خانواده در ایران باید روند تحولات اجتماعی، فرهنگی جامعه ایران را در صدوپنجاه سال اخیر در نظر داشته باشیم. با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و فرهنگی و دیگر مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده جامعه ایران پس از انقلاب (به‌منزله عوامل درونی) و نیروها و عوامل جهانی (به‌منزله عوامل بیرونی) به مطالعه ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری و تغییر این دو در بین زنان پرداخته شده است. یکی از تئوری‌های مهم تبیین‌کننده تغییرات خانواده و ارزش‌های آن، به‌ویژه فرزند و رفتار فرزندآوری، تئوری گذار جمعیتی دوم^۲ است. این تئوری چارچوب نظری مناسبی برای تبیین تضعیف ارزش‌های خانوادگی، به‌ویژه ارزش فرزند، ارائه می‌دهد. تئوری گذار جمعیتی دوم تغییرات خانواده در غرب و در برخی کشورهای غیرغربی را بررسی می‌کند. برخی از این تغییرات تحولاتی است که در زمینه نگرش به تشکیل خانواده و اهمیت نهاد خانواده، روابط اعضای خانواده باهم، ساختار قدرت در خانواده، استقلال زنان، دموکراسی عاطفی، و... به‌وجود آمده است. «نظریه گذار جمعیتی دوم در اصل نظریه‌ای برای تبیین باروری پایین در جوامع پیشرفته اواخر مدرن است. این نظریه، باروری پایین و دوام آن در جوامع مزبور را با توجه به تغییرات اساسی که در دهه‌های پایانی قرن بیستم در سطح جامعه و خانواده و در نحوه بچه‌آوری در آن جوامع پیش آمد توضیح می‌دهد» [۱۰، ص ۱۱۸].

لسته‌هاک و ون دوکا مفهوم گذار دوم جمعیتی را به‌منزله چارچوبی برای توضیح تغییرات قابل ملاحظه در شکل خانواده و تغییرات کاهش باروری، که در اروپای غربی از دهه ۱۹۶۰ مشاهده شد، به کار بردند [۱۹، ص ۷۶]. ون دوکا در این خصوص اظهار می‌کند که تغییرات اساسی در هنجارها، نگرش‌ها، روابط شخصی، باروری و خانواده به‌منزله نیروی محرک تغییرات دراماتیک در رفتار جمعیتی اروپاییان ظاهر شد [۱۹، ص ۴۵]. اولین نشانه‌های گذار دوم جمعیتی در سال ۱۹۵۰ ظاهر شد. نرخ طلاق به‌خصوص در آمریکا و کشورهای اسکانندیناوی

1. Family value
2. second Demographic Transition

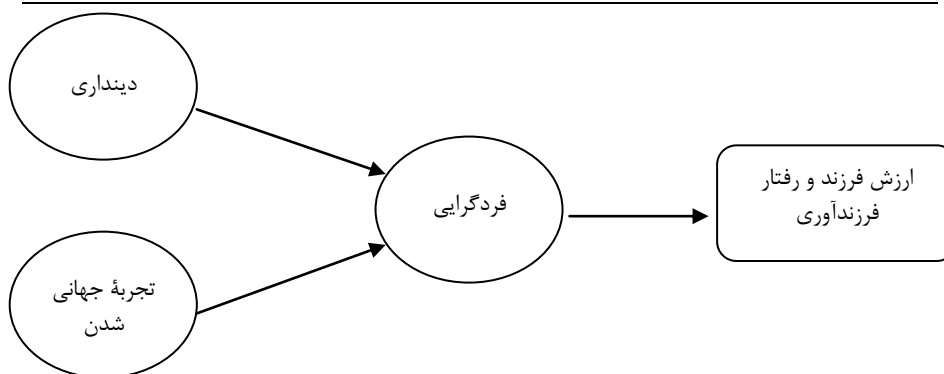
افزایش یافت. در نیمه دوم دهه ۱۹۶۰، باروری کاهش پیدا کرد، الگوی سن در هنگام ازدواج تغییر یافت، و نسبت افراد مجرد و همچنین هم‌خانگی‌های قبل از ازدواج افزایش پیدا کرد [۱۹، ص ۳]. نظریه انتقال اول جمعیت، که تغییرات در میزان موالید و مرگومیر را به موازات گذار از شرایط اقتصادی، اجتماعی، و سنتی قبل از مدرن به یک جامعه مدرن صنعتی و شهری توصیف می‌کند، همان چیزی است که بعدها با عنوان انقلاب جمعیتی نام گرفت. از لحاظ پدیده‌شناسی، گذار جمعیتی اول را باید نتیجه تحولات اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی دانست که بر اثر تغییرات مرگومیر و باروری و در نتیجه اثرگذاری روی رشد طبیعی جمعیت منعکس می‌شود و از سوی دیگر، خود منشأ آثار و نتایج اقتصادی و اجتماعی است. گذار جمعیتی اول پس از بررسی تغییرات جمعیتی در کشورهای توسعه‌یافته امروزی شکل گرفت. این نظریه شرحی بر گذار از میزان تولد و مرگومیر زیاد به میزان تولد و مرگومیر کم است. «از نظریه گذار جمعیتی اول چنین برمی‌آید که پس از عبور از دوران گذار، باروری و مرگومیر در سطح پایینی متعادل می‌شود و در نهایت جمعیت به سوی ایستایی میل می‌کند: یعنی حجم جمعیت و ترکیب سنی جمعیت هم‌ایستا می‌شود. به‌رغم این، در کشورهای که دوران گذار را طی کرده‌اند و از آن خارج شده‌اند نه تنها چنین تعادل بادوامی بین باروری و مرگومیر مشاهده نمی‌شود، بلکه باروری به جای آنکه در سطح جانشینی متوقف شود، به زیر جانشینی می‌افتد و در این سطح باقی می‌ماند. به دیگر سخن، با عبور از عدم تعادل دوران گذار و ورود به دوران پس از گذار، به جای تحقق تعادل مورد انتظار نظریه گذار جمعیتی (اول)، عدم تعادل نسبتاً بادوامی مغایر با عدم تعادل دوران گذار تجربه می‌شود. عدم تعادل دوران گذار در گذار جمعیتی اول، عدم تعادلی به نفع باروری است» (۱۰، ص ۱۱۹). اما در گذار جمعیتی دوم با توجه به تغییر نگرش نسبت به خانواده و ازدواج، سطح باروری پایین‌تر از سطح مرگومیر و زیر سطح جانشینی است. بنابراین، رشد جمعیت درازمدت منفی و جمعیت بالقوه رو به کاهش می‌رود. روند تغییرات فرزند و نگرش نسبت به فرزندآوری در کشورهایمانند ایران، ترکیه، مصر، مالزی، و... نشان می‌دهد که نقش عوامل فرهنگی، به‌ویژه آموزه‌های اسلامی در خانواده‌گرایی و فرزندآوری، مهم است [۱]. از این رو، می‌توان گفت «بسیاری از متغیرهای جمعیتی، از جمله فرزند، تأثیرات هم‌زمانی را از سه عامل سن (تأثیر ناشی از تعلق به گروه سنی خاص) دوره (تجارب تاریخی که هم‌زمان همه گروه‌های سنی را تحت تأثیر قرار می‌دهد)، و نسل (تأثیرپذیری متفاوت گروه‌های سنی مختلف از تجارب تاریخی) می‌پذیرند» [۲۳]. تغییر ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری، در جوامع غیرغربی (از جمله ایران)، به‌رغم تفاوت‌های فرهنگی، قابل ملاحظه و چشمگیر است. تغییر از خانواده گسترده به هسته‌ای، تغییر از خانواده‌گرایی به فردگرایی، تغییر از کنترل خانواده به استقلال جوانان، تغییر از ازدواج‌های از پیش ترتیب داده شده به ازدواج‌های براساس عشق و انتخاب، تغییر از ازدواج در سنین جوانی به ازدواج در سن

بالا، از ازدواج جهانی (عمومیت ازدواج) به داشتن پتانسیل برای مجرد گسترده، تغییر از باروری طبیعی به فرزندآوری کنترل شده، تغییر از تعداد فرزندان بیشتر به فرزندان کمتر، افزایش جنبش‌های فمینیستی و زنان با تأکید بر برابری جنسیتی و حقوق زنان، افزایش زوج‌زیستی^۱ از عمده تغییرات ناشی از این گذار بوده است [۲۴]، به اعتقاد برخی (از جمله ون دوکا و سرایی) نشانه‌هایی از ورود ایران به مرحله گذار جمعیتی دوم مشهود است؛ از جمله اینکه در ایران فرزندآوری و باروری، طبق آمار گزارش شده، در سال‌های اخیر پایین آمده و به سطح جاننشینی و زیر جاننشینی رسیده است [۱۲؛ ۱۷]. بنابراین، تحت تأثیر گذار جمعیتی دوم و با در نظر گرفتن موقعیت جامعه ایران، برخی ارزش‌های خانواده در ایران دچار تغییراتی شدند؛ از آن جمله نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده تا حد زیادی تغییر کرده است. سن ازدواج بالا رفته و همین بالا رفتن سن ازدواج نشانه تغییر در نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده است و ارزش فرزند و فرزندآوری به شدت تغییر یافته است. علاوه بر تئوری گذار جمعیتی دوم، تئوری تغییرات فرهنگی اینگلهارت نیز چارچوب تئوریک مناسبی برای تحلیل رفتار فرزندآوری زنان پیش رو می‌گذارد. طبق دیدگاه اینگلهارت^۲، توسعه اقتصادی و رشد تکنولوژیک و ارضای نیازهای اساسی در جامعه به ظهور نیازهای غیرمادی مانند عزت نفس و خودشکوفایی و دستیابی به منزلت اجتماعی در بین جوانان و نسل حاضر می‌انجامد. «فرضیه کمیابی و اجتماعی شدن دلالت بر این دارند که در نتیجه رونق اقتصادی که از سال ۱۹۴۵ در کشورهای غربی به وجود آمد، نسل جوانان اهمیت کمتری بر امنیت اقتصادی و جانی قائل‌اند تا گروه‌های مسن‌تری که بسیار پیش از آن‌ها طعم عدم امنیت اقتصادی را چشیده‌اند. این مسئله نیز حائز اهمیت است که برخلاف افراد مسن‌تر، نسل جوان بیشتر تمایل دارند اولویت‌ها را به نیازهای غیرمادی مانند کیفیت زندگی و درک عمومی بدهند. از دید اینگلهارت، فرضیه کمیابی به دگرگونی‌های کوتاه‌مدت و فرضیه اجتماعی شدن بر آثار بلندمدت نسلی اشاره دارد. این دو فرضیه باهم مجموعه به هم پیوسته‌ای از پیش‌بینی‌های مربوط به دگرگونی ارزش‌ها را پدید می‌آورند» [۴، ص ۸۵]. این تجربه نسلی در ایران و در بین زنان نیز اتفاق افتاده است و نتیجه آن، تفکیک نسل‌های مختلف تاریخی از حیث نوع ارزش‌گذاری بر فرزند است. برای نمونه، نسل متولدان دوره انقلاب و جنگ، با توجه به تجارب تاریخی از جمله انقلاب و جنگ و تغییر ساختارهای اقتصادی، نوع نگاهشان به فرزند و اهمیت آن در زندگی متفاوت از نسل‌های بعد از جنگ و انقلاب است. همین‌طور نسل متولدان سال‌های پیش از انقلاب نگرششان به ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری متفاوت از نسل‌های پس از انقلاب است. نسل‌های پس از انقلاب و جنگ در ایران بیشتر طالب کیفیت زندگی و به نظر گریزان از برخی ارزش‌های خانواده همچون

1. cohabitation

2. Ingelhart

فرزند به دنبال آن رفتار فرزندآوری‌اند و هرچه به دوره‌های اخیر نزدیک می‌شویم، شدت تأثیر جهانی شدن بیشتر شده و فرزند و فرزندآوری معنای سنتی و قدیمی خود را از دست داده و معنای جدیدی در بین این نسل‌ها پیدا می‌کند. در یک دهه اخیر، گرایش زنان به آموزش در سطوح عالی و به تبع آن تصاحب فرصت‌های شغلی، باعث تغییر ارزشی و نگرشی آنان به مقولاتی چون فرزند شده است. سن ازدواج زنان در ایران بر اثر اشتغال و تحصیل تا اندازه‌ای بالا رفته است و این بالا رفتن سن ازدواج زنان همراه با برخی عوامل دیگر از جمله برهم خوردن تعادل جنسیتی، به مسئله «مضیقۀ ازدواج» منجر شده است. پیامد دیگر بالا رفتن ازدواج زنان، فرصت محدود برای فرزندآوری است. بخشی از دگرگونی فرهنگی ایران محصول تغییر نگرش بوده است. این تغییر نگرش در میان زنان و دختران بیشتر بوده و باعث شده در حوزه‌هایی که امکان حضور و مشارکت بیشتری داشته‌اند، فشار بیشتری وارد کنند و به خواسته خود جامه عمل بپوشانند [۳، ص ۵۱۰]. یکی از این حوزه‌ها، که زنان توانسته‌اند با تغییر نگرش، ارزش‌ها و خواسته‌های خود را به کرسی بنشانند، ارزشگذاری به فرزند و رفتار فرزندآوری است. یکی دیگر از عوامل مؤثر بر تغییر ارزش فرزند در خانواده‌های ایرانی، دینداری است. دینداری و باورهای دینی همواره با خانواده‌های ایرانی عجین بوده است. «خانواده در ایران همواره پذیرای آموزه‌های دینی بوده و توانسته با تمسک به آن، بسیاری از برساخت‌های ذهنی درباره جنسیت، زن، تقسیم کار خانگی، و روابط اعضای خانواده را زودده و ابعاد جدیدی را جایگزین کند» [۱۱، ص ۴۴]. با مروری بر تحقیقات انجام‌یافته در خصوص خانواده و ارزش‌های آن در کشورهای پیرامون و نیز چارچوب نظری مطرح در این تحقیق، به‌ویژه تئوری گذار جمعیتی دوم، که نظریه‌ای در باب تغییر رفتار فرزندآوری و باروری است، می‌توان دریافت که شباهت‌های زیادی در حوزه‌هایی چون خانواده و عوامل مؤثر بر تغییر ارزش‌های خانواده در کشورهای پیرامون وجود دارد. تحقیقات انجام‌یافته در این کشورها نشان می‌دهد که برخی از ارزش‌های خانواده در این کشورها حفظ، برخی تداوم و در حال تغییر، و برخی هم بطور کلی تغییر کرده‌اند. در این کشورها، از جمله ایران، عواملی چون انقلاب، دولت و نهادهای سیاسی، مدرنیزاسیون و اقدامات توسعه‌ای، عرفی شدن (سکولاریزاسیون)، تضعیف دینداری، استقلال افراد و فردگرایی و فرایندهای جهانی همچون تجربه جهانی شدن و رسانه‌ها، در تغییر ارزش‌های خانواده در این کشورها مؤثر بوده‌اند. بنابراین، بر پایه نظریه گذار جمعیتی دوم، مدل نظری و فرضیه‌ها استخراج شده‌اند.



شکل ۱. مدل نظری تبیین ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری زنان

فرضیه‌ها

- نسل‌های مطالعه‌شده، ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری متفاوتی دارند. در نسل متولدان پیش از انقلاب ارزش فرزند بالا و در نسل متولدان پس از انقلاب ارزش فرزند پایین است.
- بین تجربه جهانی شدن و ارزش فرزند رابطه معکوس وجود دارد. نسل‌هایی که بیشتر در معرض تجربه جهانی شدن‌اند، ارزش فرزند کمتری دارند.
- بین فردگرایی و ارزش فرزند رابطه معکوس وجود دارد. هرچه فردگرایی تقویت شود، ارزش فرزند کمتر و رفتار فرزندآوری ضعیف می‌شود.
- بین دینداری و ارزش فرزند رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. نسل‌هایی که دینداری قوی‌تری دارند، ارزش فرزند در بین آن‌ها بیشتر و میل به فرزندآوری شدیدتر است.

روش پژوهش

روش تحقیق استفاده‌شده در این مطالعه پیمایشی است. از انواع پیمایش، از روش بررسی مقطعی^۱ بهره گرفته شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته است. جمعیت آماری مطالعه‌شده، جمعیت زنان هر دو گروه مجرد و متأهل بالای ۱۸ سال شهر زنجان است. براساس گزارش مرکز آمار ایران، جمعیت زنان بالای ۱۸ سال شهر زنجان براساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، حدود ۱۳۷ هزار و ۹۳ نفر است. حجم نمونه، به تعداد ۵۰۰ نفر، براساس فرمول کوکران تعیین شده است. در این مطالعه، منظور از نسل generation نیست بلکه cohort است. بنابراین، نسل در اینجا به معنای گروهی هم‌آغاز است که دوره تاریخی مشترکی را تجربه کرده‌اند (هیوز)، مقارن با یک رویداد تاریخی مثل جنگ بوده‌اند

1. cross sectional

(بیکر)، هم‌دوره‌های اجتماعی که در طول زمان ترسیم شده‌اند (گیدنز)، دارای محل مشترک در جریان اجتماعی و تاریخی، دارای سرنوشت و علاقه مشترک، آگاهی نسلی و هویت واحد براساس تجربه مشترک بوده‌اند (مانهایم)، یک برساخت اجتماعی و حاصل تضاد بر سر منابع اقتصادی و فرهنگی در داخل یک میدان (بوردیو) بوده‌اند.

براساس مبانی دوره‌بندی نسل‌های مطالعه‌شده، که بدان‌ها اشاره شد، پنج نسل قابل تمییز و شناسایی است:

۱. نسل پیش از اصلاحات ارضی (متولدان قبل از سال ۱۳۴۲)
 ۲. نسل پیش از انقلاب (متولدان سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷)
 ۳. نسل انقلاب و جنگ (متولدان سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷)
 ۴. نسل پس از انقلاب و جنگ و در معرض مدرنیته (متولدان سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰)
 ۵. نسل شدیداً در معرض مدرنیته (متولدان سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴)
- روش نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی ساده است. برای اینکه شانس افراد در انتخاب شدن برابر بوده باشد، خوشه‌ها (بلوک‌ها) با احتمال متناسب با حجم (PPS)^۱ انتخاب شدند.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

متغیر وابسته: ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری

فرزند، یکی از ارزش‌های خانواده در ایران است. کولین (۱۹۹۴) ارزش‌های خانواده را چنین تعریف می‌کند: «کیفیت‌هایی که هسته خانواده را تعریف می‌کنند و پیوند مادام‌العمر بین زن و مرد و سایر اعضای خانواده را تضمین می‌کنند. به سخن دیگر، ارزش‌های خانواده، که اموری بسیار مهم‌اند، موجب استحکام بنیان خانواده می‌شوند. این متغیرها و ارزش‌ها عبارت‌اند از: ازدواج، محبت، تک‌همسری، وظیفه‌شناسی، پاکدامنی، پرهیزکاری، ایمان به خدا، و سخت‌کوشی و فرزند» [۶]. برای سنجش ارزش فرزند، از اجزا و عناصری چون لذت از زندگی به جای فرزندآوری، نفی فرزندآوری به منزله هدف ازدواج، دردسر داشتن فرزند، نفی فرزندآوری به دلیل موقعیت اجتماعی بهتر استفاده شده است. عملیات تحلیل عاملی بر روی پرسشنامه اجرا شد که در نتیجه آن، عبارت‌هایی که مربوط به یک عامل بودند و فضای مفهومی متغیرها را پوشش می‌داند، حفظ و عبارت‌هایی که بار عاملی کمتری داشتند و مفهوم ارزش فرزند را دلالت نمی‌کردند، از پرسشنامه و تحلیل حذف شدند که نتیجه نهایی در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

1. Probability Proportional to size

جدول ۱. شاخص‌ها و مقادیر اعتبار و روایی ارزش فرزند

روایی	بارعاملی	شاخص‌ها / عامل‌ها
۰,۷۰	۰,۷۹	لذت از زندگی به جای فرزندآوری
	۰,۷۵	نفی فرزندآوری به‌منزله هدف ازدواج
	۰,۵۷	دردسر داشتن فرزند
	۰,۶۰	نفی فرزندآوری به دلیل موقعیت اجتماعی بهتر

متغیرهای مستقل

فردگرایی

منظور از فردگرایی این است که افراد به جای اولویت‌دادن به خواست‌ها و علایق جمعی، سنتی و خانوادگی، به ارزش‌ها و خواست‌های فردی خود اولویت دهند. در فردگرایی همه قوانین و احکام جمعی برحسب احکام فردی (انگیزه، قدرت، اعتقاد، قابلیت‌های فردی، و...) توصیف می‌شوند [۱۵]. در این تحقیق، فردگرایی با دو بعد خودمحوری و آزادی انتخاب و با شاخص‌هایی چون تمایل به داشتن فرزند کمتر، کیفیت زندگی، انتخاب آزادانه همسر، عدم شرکت در آیین‌های خانواده، روابط جنسی آزاد، و قدرت انتخاب طلاق سنجیده شده است.

دینداری

دینداری به معنای داشتن اهتمام دینی است [۱۶]. به نحوی که نگرش، گرایش، و کنش‌های فرد تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. «در تعریف مفهومی دینداری از چهار بعد تجربی، اعتقادی، مناسکی و اخلاقی استفاده شده است.

تجربی: ناظر بر تجربیات زندگی معنوی که برای اشخاصی که به آن نایل می‌شوند این احساس ایجاد می‌شود که با خدا در ارتباط هستند.

اعتقادی: ناظر بر اعتقادات به واقعیت الوهیت و امور متعلق بدان است: خدا و شیطان و... اخلاقی (استنتاجی): ناظر بر اجرای اصول و فرمان‌های دینی در زندگی روزمره است: عفو، درستکاری، راستگویی» [۱۳].

مناسکی: کلیه اعمالی که از تجربه دینی مایه گرفته یا با تجربه دینی مشخص می‌شوند، همه در حکم بیان عملی مناسک‌اند. به بیان محدودتر، مناسک عمل یا اعمال پرستش انسان دیندار است [۱۶]. سنجش دینداری پاسخگویان با الهام از مدل کلاک و استارک انجام یافته است.

تجربه جهانی شدن

جهانی شدن به معنای عام شدن خاص و خاص شدن عام است [۷، ص ۱۷]. به تعبیری، جهانی شدن در هم فشردن زمان و مکان و بی‌اعتباری معنای سنتی مکان و زمان است و گسترش روابط اجتماعی و اقتصادی در سراسر جهان [۱۴، ص ۷۸۰]. تجربه جهانی شدن ارتباط با دیگر مناطق جهان و آگاهی فزاینده درباره رویدادها و مسائل جهان است. در این مطالعه، یکی از عوامل مؤثر بر تغییر ارزش فرزند، جهانی شدن است که سنجش آن به واسطه شاخص‌هایی چون استفاده از رسانه‌هایی چون اینترنت، استفاده از شبکه‌های اجتماعی، و شبکه‌های ماهواره‌ای صورت گرفته است.

یافته‌های تحقیق

در این مطالعه، ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری پنج نسل از زنان متغیر وابسته و تجربه جهانی شدن، فردگرایی و دینداری، متغیرهای مستقل‌اند. تحلیل یافته‌ها هم در سطح توصیف، هم در سطح مقایسه، و هم در سطح تبیین صورت گرفته است.

جدول ۲. میانگین نمره ارزش فرزند در بین نسل‌های مطالعه‌شده

نسل	میانگین نمره ارزش فرزند
نسل متولدان سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰	۴۳
نسل متولدان سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴	۳۵٫۲۵
نسل متولدان سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷	۴۷
نسل متولدان سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷	۴۵٫۵
نسل متولدان سال‌های قبل از ۱۳۴۲	۵۲٫۲۵

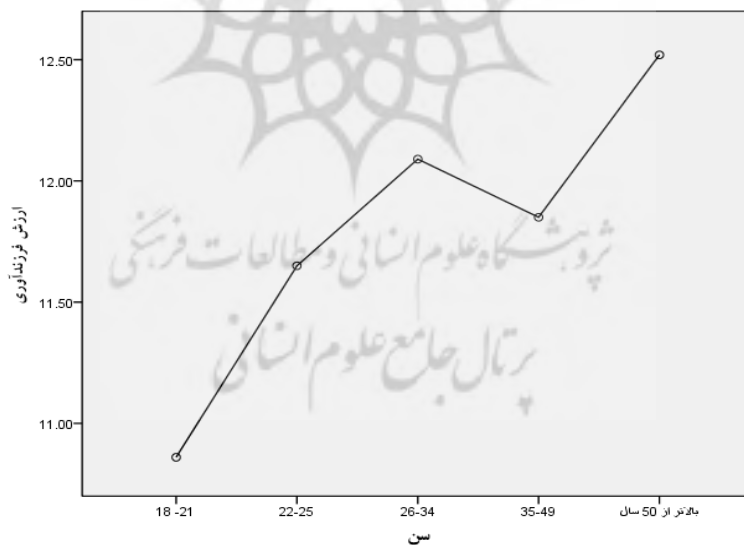
پایین‌ترین سطح ارزش فرزند در بین نسل متولدان سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ است. بالاترین سطح ارزش فرزند مربوط نسل متولدان سال‌های قبل از ۱۳۴۲ است که گروه سنی بالای ۵۰ سال را تشکیل داده‌اند. به نظر می‌رسد در نسل‌های مربوط به پیش از انقلاب نگرش به فرزند و فرزندآوری در حد قوی و در نسل انقلاب و جنگ، تاحدی متوسط و در نسل‌های بعد از انقلاب و جنگ، که بیشتر از سایر نسل‌ها در معرض تجربه جهانی شدن و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی بوده‌اند، ضعیف است.

جدول ۳. تفکیک گروه‌های همگن از لحاظ تفاوت میانگین متغیر ارزش فرزند در بین نسل‌های مطالعه‌شده

فرزند		تعداد نمونه	نسل‌های مطالعه‌شده
زیرمجموعه آلفا = ۰,۰۵	گروه همگن اول		
	گروه همگن دوم	۱۰۰	نسل متولدان ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴
۱۰,۸۶		۱۰۰	نسل متولدان ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰
۱۱,۶۵		۱۰۰	نسل متولدان ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷
۱۱,۸۵		۱۰۰	نسل متولدان ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷
۱۲,۰۹		۱۰۰	نسل متولدان قبیل از ۱۳۴۲
۱۲,۵۲			

جدول ۴. تحلیل واریانس و معناداری تفاوت میانگین متغیر ارزش فرزند در بین نسل‌های مطالعه‌شده

ارزش فرزند					
معناداری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	جمع مربعات	بین گروه‌ها
۰,۰۰۸	۳,۴۵۷	۳۷,۷۷۳	۴	۱۵۱,۰۹۲	بین گروه‌ها
		۱۰,۹۲۷	۴۹۵	۵۴۰,۸۶۰	درون گروه‌ها
			۴۹۹	۵۵۵۹,۷۸۲	جمع



شکل ۲. تفاوت میانگین نمره‌های ارزش فرزند و فرزندآوری بین نسل‌های مطالعه‌شده

همان گونه که توزیع درصدی پاسخ به عبارتهای ارزش فرزندآوری (نگرش به فرزندآوری) بین نسلهای مطالعه شده نشان داد، میانگین نمره میزان موافقت با ارزش فرزندآوری بین نسلها یکسان و برابر نبوده است. بیان کیفیت تفاوت بین میانگین نمره ارزش فرزندآوری در بین نسلها در جدول ۵ نشان داده شده است. در جدول مربوطه، میانگین هر گروه در گروه همگن خود به ترتیب از کمترین به بیشترین به صورت صعودی نمایش داده شده است. با توجه به مقایسه میانگینها و ترتیب آنها، متولدان نسل ۱۳۶۷-۱۳۷۰، کمترین نمره ارزش فرزند (۱۰/۸۶) و متولدان نسل قبل از سال ۱۳۴۲ بیشترین نمره ارزش فرزند (۱۲/۵۲) را دارند. طبق جدول ۵، به لحاظ همگنی واریانسهای گروههای مطالعه شده از نظر میانگین ارزش فرزندآوری، دو گروه استخراج شده است: ۱. گروه همگن اول شامل زنان متولدان نسل ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴، متولدان نسل ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰، متولدان نسل ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ و متولدان نسل ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ و ۲. گروه همگن دوم شامل زنان متولدان نسل ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰، متولدان نسل ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷، متولدان ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ و متولدان نسل قبل از سال ۱۳۴۲ است. توزیع نسلهای مطالعه شده در دو گروه همگن فوق بدان معناست که نسلهای مطالعه شده در گروه اول از نظر ارزش فرزند با همدیگر تفاوت قابل ملاحظه‌ای ندارند. اما از طرف دیگر، این نسلها با گروه همگن دوم تفاوت دارند. نسلهای مطالعه شده در گروه دوم نیز با همدیگر از نظر میانگین ارزش فرزند تفاوتی ندارند، اما با گروه همگن اول تفاوت دارند. نتایج جدول ۴ حاصل از آزمون فیشر (تحلیل واریانس) به منظور سنجش معناداری تفاوت میانگین نمره ارزش فرزند نسلهای مطالعه شده نشان می‌دهد که با توجه به مقدار F به دست آمده (۳/۴۵۷)، مقدار تفاوت به دست آمده ($\text{sig} = 0.008$) در سطح خطای کمتر از ۱ درصد و با اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. به عبارتی، تفاوت میانگین نمره ارزش فرزند بین گروههای نسلی مطالعه شده به لحاظ آماری معنادار است.

جدول ۵. ضریب همبستگی و سطح معناداری محاسبه شده بین متغیرهای مستقل و ارزش فرزند

ردیف	متغیر مستقل	متغیر وابسته	همبستگی	سطح معناداری
۱	تجربه جهانی شدن	ارزش فرزند	-۰/۱۰	۰/۲۶۸
۲	دینداری	ارزش فرزند	۰/۱۶۵	۰/۰۰۰
۳	فردگرایی	ارزش فرزند	-۰/۳۰۶	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج حاصل از جدول ۵ و ضریب همبستگی محاسبه شده $r = -0.10$ و سطح معناداری به دست آمده ($\text{sig} = 0.268$) می‌توان گفت که بین تجربه جهانی شدن و ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری در کل با در نظر داشتن همه پنج نسل رابطه وجود ندارد. اما تجربه جهانی شدن بر نسل متولدان ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ بیشترین تأثیر را داشته است، زیرا در این نسل بنیادهای روابط اجتماعی، به ویژه روابط خانواده، متأثر از نیروهای نوظهور همچون فناوریهای

اطلاعاتی شامل شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی بوده است و این به‌تازگی در روابط خانوادگی این نسل شکل گرفت. طبق ضریب همبستگی محاسبه‌شده $r = 0.165$ و سطح معناداری به‌دست‌آمده ($sig = 0.000$) می‌توان گفت که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کمتر از ۱ درصد، بین دینداری و ارزش فرزند رابطه وجود دارد. از طرفی، تأثیر این رابطه به صورت مستقیم (مثبت) است. به عبارتی، با تقویت دینداری، ارزش فرزند نیز تقویت شده است. افرادی که دیندارترند، فرزند را دارای ارزش بالاتری می‌دانند و تمایل به فرزندآوری بیشتری دارند. بین فردگرایی و ارزش فرزند، با توجه به ضریب همبستگی (0.306) و سطح معناداری به‌دست‌آمده ($sig = 0.000$) رابطه منفی و معکوسی وجود دارد؛ به‌نحوی که با افزایش فردگرایی ارزش فرزند ضعیف شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد رفتار فرزندآوری زنان ایران در دوره‌های مختلف تاریخی و برحسب تجربه زیسته مشترک و حوادث و تجربیات تاریخی هر نسل، تابع عوامل متفاوتی است. نسل در این مطالعه به معنای گروهی هم‌آغاز است و هر نسل از زنان متأثر از ابژه‌های نسلی خود، رفتار فرزندآوری را معنا کرده‌اند. ابژه‌های نسلی زنان نسل‌های پس از انقلاب عبارت‌اند از اینترنت، ماهواره، شبکه‌های اجتماعی، فضای مجازی، و... که براساس این ابژه‌های نسلی، ذهنیت و هویت نسلی خود را ساخته و این هویت نسلی که متفاوت از هویت و ذهنیت نسلی زنان قبل از انقلاب است، سمت‌وسوی رفتار فرزندآوری و ارزش فرزند را به داشتن فرزند کمتر سوق داد. دوره‌های تاریخی در ایران نشان می‌دهد که رویدادها و حوادث، تاریخ ایران را به چند دوره متفاوت تقسیم کرده است. در سال ۱۳۴۲، وقوع اتفاقاتی نظیر اجرای برنامه اصلاحات ارضی به تولید و بازتولید نسلی انجامید که در آن زمین، کار و تولید که همگی تجلی ارزش‌های خانواده گسترده بودند به عناصر ارزشمندی تبدیل شوند. در چنین نسلی، «خانواده گسترده» اهمیت داشته و ازدواج بر پایه برخی سنت‌ها و تعهدات و الزامات و به‌صورت قانونی و رسمی انجام می‌شده است. ازدواج‌ها تصمیم اقتصادی بودند تا عاطفی، و الزامات اقتصادی عامل ازدواج بودند. شرایط پیش از انقلاب اسلامی به نسلی منتج می‌شود که تحت تأثیر فضای انقلاب همسو با ارزش‌های خانواده و ازدواج است. انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ در ایران نقطه عطف دیگری در تاریخ ایران است که با وقوع خود، نسلی را با خود به همراه می‌آورد که بر ارزش‌های فرهنگی و خانوادگی تأکید دارد؛ به‌ویژه در سال‌های اول پس از وقوع انقلاب، این تأکید شدید بوده و رفتارها و نگرش‌ها تحت تأثیر باورهای دینی و مذهبی بوده است. پس از سپری شدن دوره جنگ، شاهد شکل‌گیری نسلی هستیم که مشخصه اصلی آن تجربه جهانی شدن است. این نسل، که متولدان سال‌های بعد از ۱۳۶۷ را شامل می‌شود، به‌شدت در معرض جهانی شدن،

رسانه‌ها، و ارتباطات جهانی قرار گرفته‌اند. در این دوره است که جهانی شدن تقویت می‌شود، استفاده از اینترنت در این نسل افزایش می‌یابد، و شمار استفاده‌کنندگان از شبکه‌های ماهواره‌ای هر روز بیشتر می‌شود. این رویدادها و تجربه‌های تاریخی مشترک این امکان را به نسل خود می‌دهد که متفاوت از نسل‌های دیگر به مقولاتی چون خانواده و فرزند بیندیشد. پس از شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، تغییر و دگرگونی در ساختارها و نهادهای اجتماعی همواره تابع دو عامل درونی و بیرونی بوده است. از یک‌سو عناصر و ارزش‌های ناشی از ارتباط با غرب به‌مثابه نیروی بیرونی و تأثیرگذار، فرهنگ، و عناصر فرهنگی و نظام‌های ارزشی را تحت‌تأثیر قرار داده است و از سوی دیگر بر نیروهای درونی و عناصر بومی و فرهنگی، جامعه ایران سعی در مقاومت در برابر فشارهای بیرونی از جمله غربی‌شدن داشته است. بنابراین، تغییر ارزش فرزند در ایران پس از انقلاب اسلامی را براساس دیالکتیک عوامل درونی و بیرونی باید فهم و تفسیر کرد. نسل‌های بعد از انقلاب جهانی‌شدن را تجربه کردند. تجربه جهانی‌شدن در بین برخی گروه‌های اجتماعی از جمله زنان نسل پس از انقلاب و جنگ، زمینه را برای دگرگونی ارزش‌های خانواده از جمله فرزند فراهم کرد. استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای توانست افراد را با تجربه‌های زندگی در دیگر نقاط جهان مواجه کند. فردگرایی فزاینده، خانواده‌ها را با تحول بزرگی روبه‌رو کرد و اشتغال زنان همراه با تحصیلات آنان، یکی از عوامل مؤثر بر تغییر ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری بوده است. با متحول شدن ساختار جامعه ایران به لحاظ اقتصادی و فرهنگی و تغییر نظام هنجاری، حضور جامعه و نیروهای اجتماعی و سنتی در زندگی افراد محدود و نظارت جامعه بر رفتار اعضایش تضعیف شد. این تحولات باعث گسترش آزادی‌های فردی، افزایش تساهل و تسامح در خانواده‌ها و جامعه، انعطاف‌پذیری در مسیر زندگی، و به‌هم‌خوردن تقسیم کار جنسیتی شد. تحت‌تأثیر این شرایط، زنان ایران، به‌ویژه زنان شهر زنجان، با عبور از ارزش‌های جامعه‌محور معطوف به نیازهای اولیه به ارزش‌های فردمحور معطوف به نیازهای ثانویه از قبیل تحقق خویشتن، آموزش، مدیریت بدن، و دوری از تحمل مشکلات و سختی‌های فرزندآوری، تغییر جدیدی را در خانواده و روابط خانوادگی و ارزش‌های خانواده از جمله فرزند و فرزندآوری تجربه کرده و می‌کنند. تحولات و تغییرات خانواده ناشی از گذار جمعیتی دوم در ایران، تا حدودی بر سبک زندگی زنان تأثیرگذار بوده است. برخی زنان در ارزشگذاری بر عناصر زندگی، در مقایسه با اشتغال و آموزش، فرزند را کمتر ترجیح می‌دهند. نتیجه اینکه در نسل‌های قبل از انقلاب اسلامی، امکان تجربه جهانی‌شدن فراهم نبود و ایران به‌منزله یک کشور پیرامونی هنوز وارد فرایند جهانی‌شدن نشده بود، بنابراین ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری از تجربه جهانی‌شدن متأثر نیست و بیشتر تحت‌تأثیر دینداری است. اما در نسل‌های بعد از انقلاب اسلامی، جهانی‌شدن در ایران تقویت شده و همین تجربه جهانی‌شدن همراه با تغییرات اجتماعی و اقتصادی داخلی توانسته ارزش

فرزند را در نسل زنان درگیر تجربه جهانی شدن و گسترش مدرنیته، تحت تأثیر قرار دهد و رفتار فرزندآوری زنان شهر زنجان را به سمت داشتن فرزند کمتر سوق دهد و این شاید از پیامدهای گذار جمعیتی دوم است که هرچند کاربست آن در جامعه ایران با در نظر داشتن شرایط فرهنگی و اجتماعی با الزاماتی همراه باشد، توانسته است تمایل به فرزندآوری را در زنان پس از انقلاب اسلامی تاحدی تضعیف کند.

منابع

- [۱] احمدی، وکیل (۱۳۹۱). «بررسی نقش گذار جمعیتی در تغییرات جامعه‌شناختی خانواده»، مجله مطالعات روانشناختی اجتماعی زنان، س ۱۰، ش ۱.
- [۲] اعزازی، شهلا (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار، و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چ ۲.
- [۳] ایمان، محمدتقی؛ سروش، مریم (۱۳۹۲). «مقایسه بین نسلی سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی در دسترس زنان شیراز»، نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، ش ۴، ص ۵۱۰.
- [۴] برناردز، جان (۱۳۹۰). درآمدی به مطالعات خانواده، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نی.
- [۵] بک گرنسهایم، الیزابت (۲۰۰۲). خانواده در جهان امروز، ترجمه افسر افشار نادری و بیتا مدنی (با مقدمه دکتر باقر ساروخانی)، تهران: نی.
- [۶] حسین‌بیگی، مریم (۱۳۸۳). «بررسی رابطه اینترنت و شکاف ارزش‌ها در بین دو نسل (مطالعه موردی: دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه تهران و والدین آنها)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- [۷] رابرتسون، رونالد (۱۳۸۵). جهانی شدن: بررسی تئوری‌های اجتماعی و فرهنگی، ترجمه کمال پولادی، تهران: ثالث.
- [۸] زاهدی، محمدجواد؛ خضرنژاد، عمر (۱۳۹۲). «نوسازی و فرایند تحول ارزش‌ها در حوزه خانواده: بررسی نمونه‌ای دگرگونی ارزش‌های خانوادگی در شهر بوکان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۴، ش اول.
- [۹] سرایی، حسن (۱۳۸۵). «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ش ۲.
- [۱۰] سرایی، حسن (۱۳۸۷). «گذار جمعیتی دوم؛ با نیم‌نگاهی به ایران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، س ۳، ش ۶.
- [۱۱] صادقی فسایی، سهیلا؛ عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۱). «تحلیل گفتمان نظریه‌پردازی‌های اجتماعی از الگوی خانواده مطلوب در ایران»، مجله مطالعات راهبردی زنان، س ۱۵، ش ۵۸.
- [۱۲] عباسی شوازی، محمدجلال؛ حسینی چاوشی، میمنت؛ نوراللهی، طه؛ بنی هاشمی، فریبا سادات (۱۳۸۷). «سطح و روند باروری در ایران طی سه دهه اخیر با استفاده از روش فرزندان خود»، مقاله ارائه‌شده در همایش مرکز آمار ایران تحت عنوان: تحلیل تایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن با تأکید بر سرشماری ۱۳۸۵، ۴-۵ دی‌ماه ۱۳۸۷، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

- [۱۳] کیوی، ریمون؛ کامپنهود، لوک وان (۱۳۷۰). روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: فرهنگ معاصر.
- [۱۴] گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). چشم‌اندازهای جهانی؛ چشم‌انداز خانواده، ترجمه محمدرضا جلابی‌پور، تهران: طرح نو.
- [۱۵] لیتل، دانیل (۱۳۸۶). تبیین در علوم اجتماعی: درآمدی به فلسفه علم/اجتماع، ترجمه عبدالکریم سروش، مؤسسه فرهنگی صراط.
- [۱۶] واخ، یواخیم (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی دین، ترجمه جمشید آزادگان، تهران: سمت، چ ۲.
- [17] Abbasi-Shavazi, M.J & McDonald, R (2008). Family change in Iran: Religion, revolution, and the state international family change: ideational perspectives / [edited by] Rukmalie Jayakody, Arland Thornton, and William Axinn. Taylor & Francis Group, 270 Madison Avenue, New York, NY 10016.
- [18] Bourdieu, P. (1986). *The forms of capital*, in: J.G. Richardson (ed.): Handbook for Theory and Research for the Sociology of Education, pp 241-258.
- [19] Lesthaeghe, Ron (2006). Second Demographic Transition, U.S, March, population and development review, 2006, p 62.
- [20] Marsh, Ian (2000). Sociology: Making sense of society. London. Prentice Hall.
- [21] Papenoe, David (2005). War over the Family. Transaction Publishers.
- [22] Tapies, Josep and Ward, John (2008). Family Values and Value Creation. First published in 2008 by PALGRAVE MACMILLAN.
- [23] Yang, Yang (2006). "Bayesian Inference for Hierarchical Age-Period-Cohort Models of Repeated Cross-Section Survey Data", *Sociological Methodology*, 36: pp 39-74.
- [24] Yount, Kathryn M. and Rashad, Hoda (2008). Family in the Middle East: Ideational change in Egypt, Iran, and Tunisia. First published 2008 by Routledge 2 Park Square, Milton Park, Abingdon, Oxon OX14 4RN.